

## اصول عقاید

۱. گزینه ۴ درست است. گزینه‌های ۱، ۲، ۳ همه از آثار خودشناسی هستند به جز گزینه ۴.
۲. گزینه ۳ درست است. در مراحل خلقت انسان پس از مراحل خلقت جسم در رحم مادر مرحله‌ای دیگر از آفرینش که همان دمیده شدن روح است آغاز می‌شود. گزینه ۱ به قدرت کلام اشاره دارد. گزینه ۲ به تولد انسان اشاره دارد و گزینه ۴ به مراحل اولیه خلقت اشاره دارد که نادرست می‌باشند.
۳. گزینه ۴ درست است. گزینه‌های ۱، ۲، ۳ با آیه هماهنگ می‌باشند.
۴. گزینه ۴ درست است. چرا که در بیان قرآن کریم استفاده از ابزار شناخت بدون توجه به آفریننده انسان را همانند چهارپایان و حتی گمراه‌تر معرفی می‌کند.
۵. گزینه ۲ درست است. انسان در سایه طهارت از زشتی‌های اخلاقی، اعتقادی و رفتاری شایستگی توجه خاص خداوند را خواهد داشت.
۶. گزینه ۳ درست است. با توجه به نتایج آیات و روایات در زمینه شناخت عقلی رسیدن به بهشت الهی نتیجه عبادت می‌باشد.
۷. گزینه ۱ درست است. تعریف فطرت به طور عام فاطر بودن خداوند در خلقت آسمان‌ها و زمین اشاره دارد و معنای خاص فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است.
۸. گزینه ۴ درست است. در بیان امام علی (ع) ماموریت پیامبران زدودن پرده‌های غفلت از مقابل فطرت انسان می‌باشد که اشاره به هماهنگی دین و فطرت است.
۹. گزینه ۴ درست می‌باشد.
۱۰. گزینه ۲ درست است. حرکت از تمایلات نفسانی به سوی فضایل اخلاقی یک مجاهده و حرکت تکاملی نامحدود است. که فقط خاص انسان می‌باشد.
۱۱. گزینه ۴ درست است. ویژگی داشتن قوه عقل و اختیار و تکامل نامحدود در پذیرش امانت الهی بیان شده است، که گزینه ۴ صحیح است.
۱۲. گزینه ۳ درست است. از موارد نمونه‌های تکریم انسان شماره چهارم «نشانه‌هایی دیگر» است که آیه شریفه خلقت هر چیزی در جهان برای انسان دانسته است.
۱۳. گزینه ۳ درست است. شکر نعمت‌های الهی وظیفه بندگی و اطاعت از پروردگار است که تنها پیامبران و ائمه معصومین (ع) با پذیرش کامل تربیت الهی و پایبندی محکم به دستورات خداوند نمونه کامل از جانشینان خداوند در روی زمین هستند.
۱۴. گزینه ۱ درست است. گزینه‌های ۱، ۲، ۳ به صفت حکیم اشاره دارد جز گزینه ۱ که به دریافت رحمت الهی اشاره دارد.
۱۵. گزینه ۳ درست است. این گزینه به صفت حکیم اشاره دارد.
۱۶. گزینه ۴ درست است. مراد از توفی دریافت روح و جان آدمی است و ناظر بر وجود حیات پس از مرگ است.
۱۷. گزینه ۴ درست است. زیرا به باز آفرینی و قدرت خداوند اشاره دارد.
۱۸. گزینه ۲ درست است. در این گزینه انگیزه انکار معاد فرار از تعهد و مسئولیت و وظیفه بیان شده است.
۱۹. گزینه ۱ درست است.
۲۰. گزینه ۴ درست است. آیه ۸۲ و ۸۳ سوره مومنون از مهمترین شبهات منکران معاد را افسانه دانستن آن و نبود دلیل معرفی می‌کند.



۲۱. گزینه ۳ درست است. در این عبارت قرآنی خداوند با استفهام انکاری عبث نبودن خلقت انسان را بیان می‌فرماید.

۲۲. گزینه ۳ درست است. میل به جاودانگی انسان را ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی پاسخ می‌دهد.

۲۳. گزینه ۴ درست است. انتقال از این جهان برای همه انسان راحت نیست.

۲۴. گزینه ۲ درست است. صریح‌ترین دلیل بر وجود برزخ آیه ۱۰۰ سوره مومنون است.

۲۵. گزینه ۳ درست است. هراس از مرگ برای فردی که در نمازش کاهل است به علت لغزش‌های گذشته می‌باشد نویسنده کتاب درباره انکار خداوند به علت گناهان بسیار و شخص دروغگو نیز به علت لغزش‌های گذشته که فقط گزینه ۳ درست اشاره شده است.

۲۶. گزینه ۳ درست است. بیان پیامبر (ص) دلیلی بر وجود شعور و آگاهی پس از مرگ می‌باشد.

۲۷. گزینه ۲ درست است. در بیان امام صادق (ع) هرکس سوال و جواب در قبر را انکار کند از ما نیست.

۲۸. گزینه ۴ درست است. در این گزینه به آثار ما تاخر اشاره شده است.

۲۹. گزینه ۳ درست است. در این گزینه به تغییر در ساختار زمین و آسمان اشاره دارد از مراحل اول قیامت اشاره شده است.

۳۰. گزینه ۴ درست است. شهادت اعضای بدن و اعتراض بدکاران به این امر در قیامت و هنگام گواهی دادن شاهدان می‌باشد.

## ادبیات عرب

۳۱. گزینه ۲ غلط دارد. زیرا معنای أَنْعَمَ: نعمت‌ها و منعمه: ریزان است.

۳۲. گزینه ۲ صحیح است. در گزینه ۱ تَطْنٌ مضارع است گمان می‌کنی، در گزینه ۳ گویا آسمان ماهی‌ها را می‌باراند و در گزینه ۴ تُفْرِغُ متعدی است باطربیش را خالی می‌کند.

۳۳. گزینه ۳ غلط دارد. هَجَرُونِي؛ مرا ترک کردند.

۳۴. گزینه ۳ غلط دارد. طَوَّفَ؛ بسیار طواف کرد.

۳۵. گزینه ۴ صحیح است. پراکنده سازد، مضارع است در ۱ و ۳ ماضی آمده و تلاش می‌کند، مضارع است در ۲ ماضی آمده.

۳۶. گزینه ۱ خطا دارد. جَاقَةٌ؛ خشک

۳۷. گزینه ۲ خطا دارد. آمین؛ بر آورده کن، امر است.

۳۸. گزینه ۳ غلط دارد. لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ؛ چشم جغد حرکت نمی‌کند. فعل لازم است و متعدی نیست.

۳۹. گزینه ۱ همه‌اش مونث معنوی. در ۲ برزخ، در ۳ روح و در ۴ مرفق مذکر و حمزة مؤنث لفظی است.

۴۰. گزینه ۱ درست است. در ۲ لاتکتبوا / معرب است، در ۳ استکبرتما / مبنی بر سکون است و در ۴ تحصنن؛ مبنی بر سکون است.

۴۱. گزینه ۲ درست است. گزینه ۱؛ تتساقط؛ مفرد مؤنث غایب است، تتساقطت. گزینه ۳ أُرْسِلَ و أثارَت. گزینه ۴ حَدَّتْ.

۴۲. گزینه ۳ غلط دارد. به جای ناقص باید زائد باشد.

۴۳. گزینه ۴ درست است، همه از باب افتعال. گزینه ۱ إستمعوا؛ باب افتعال و بقیه باب استفعال، گزینه ۲ لِيُؤَكِّدُونَ؛ باب تفعیل و بقیه تفعّل و گزینه ۳ تُجَالِسُونَ؛ باب مفاعله و بقیه تفاعل.



۴۴. گزینه ۴ درست است. گزینه ۱ امر للمخاطبین و ماضی للغائبین، گزینه ۲ استغفرا امر للمخاطبین و گزینه ۳ امر للمخاطبین و ماضی للغائبین.
۴۵. گزینه ۱ درست است. گزینه ۲ يأكل الحسنة خبر جملة فعلیه، گزینه ۳ يحتفظ خبر جملة فعلیه و گزینه ۴ خیر خبر مفرد است.
۴۶. گزینه ۲ درست است. گزینه ۲ المدح مجرور به حرف جر، گزینه ۳ المؤمنین مجرور به یاء و گزینه ۴ الیسر مفعول و منصوب به فتحه.
۴۷. گزینه ۲ درست است. گزینه ۱ جهال مفردش جاهل اسم فاعل است، گزینه ۳ ملبس اسم مکان نیست و گزینه ۴ احمر رنگ و صفت مشبیه.
۴۸. گزینه ۴ غلط دارد. انفتح لازم بجاش باید فتح باشد که هردو متعدی باشند.
۴۹. گزینه ۲ درست است فقط إلى طعامك. گزینه ۱ له و من اللبونات، گزینه ۳ له و فی السموات و فی الأرض و گزینه ۴ بالعلم و بالأصل
۵۰. گزینه ۱ غلط دارد نائب فاعل يعرف ضمیر مستتر هو.
۵۱. گزینه ۳ غلط دارد، واو فاعل حذف می شود و هما تبدیل به الف ... تعلمان.
۵۲. گزینه ۱ صحیح است ۴ جمع مکسر دارد؛ اسالیب، ملابس، اوانی، اسنان.
۵۳. گزینه ۴ صحیح است.
۵۴. گزینه ۲ درست است.
۵۵. گزینه ۲ درست است. ۹ تا دارد؛ من الاسالیب، لعل، بدلوه، بخرقة، منّا، بكأس، من الماء، فی یوم، من الماء.
۵۶. گزینه ۱ صحیح است. گزینه ۲ مفروشات؛ اسم مفعول، گزینه ۳ سندخر؛ باب افتعال و گزینه ۴ نا؛ مفعول مساعد
۵۷. گزینه ۱ صحیح است.
۵۸. گزینه ۳ صحیح است.
۵۹. گزینه ۴ درست است.
۶۰. گزینه ۲ درست است. گزینه ۱ اسم فاعل از یکتب کاتب، گزینه ۳ مصدر تنخض انخفاض و گزینه ۴ ماضی جاهدتن.

## تاریخ اسلام

۶۱. گزینه ۳؛ از وادی های معروف عربستان می توان به حضر موت، دواسر، سرخان، رومه اشاره کرد.
۶۲. گزینه ۳؛ یکی از واکنش های مشرکان در برابر دعوت اسلامی تهدید (نه اقدام) ابوطالب و پیامبر به جنگ و قتل بود.
۶۳. گزینه ۱؛ پس از وهرز دیلمی سه حاکم دیگر ایرانی بر یمن حکم راندند، که آخرین ایشان باذان پس از دریافت دعوت اسلامی به اسلام گروید.
۶۴. گزینه ۲؛ امپراتوری روم حاصل تجزیه امپراطوری بزرگ روم به دو بخش شرقی و غربی بود اما روم غربی به وسیله اقوام وحشی بربر نابود شد.
۶۵. گزینه ۲؛ گزینه ۱ هاشم بن عبد مناف جد پیامبر اکرم، سفرهای منظم زمستانی به یمن و تابستانی به شام را دایر کرد و همین ابتکار او نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی مکه و ساکنان آن داشت، گزینه ۳ قصر غمدان که از بقایای حکومت حمیریان است با بیست طبقه از شگفتی های ساخته دست بشر است،



- گزینه ۴ برخی به علت وجود بعضی رودهای بزرگ و طبیعی همچون فرات و عاصی در سمت شمال که هنگام نزدیک شدن به هم مرز آبی را پدید می‌آورند نام جزیره العرب را بر سرزمین عربستان نهاده‌اند.
۶۶. گزینه ۲؛ الف) صحیح، ب) قبیله قریش از بنی کنانه و بنی کنانه از مضر و مضر از عدنان و در نهایت به اسماعیل خاتمه می‌یافت، ج) صحیح، د) با نزول ۵ آیه اول سوره علق آغاز نبوت حضرت به ایشان ابلاغ شد و با نزول آیات آغازین سوره مدثر فرمان شروع دعوت آشکار داده شد. الف و ج صحیح است.
۶۷. گزینه ۴؛ در سفر تبلیغی پیامبر اکرم به طائف علی علیه السلام و زید بن حارثه، پسر خوانده رسول خدا، آن حضرت را همراهی می‌کردند
۶۸. گزینه ۴؛ الف) پیمان عقبه اولی در سال دوازدهم بعثت در موسم حج و در منطقه منا انجام گرفت، ب) نام دیگر پیمان عقبه ثانیه بیعه الحرب می‌باشد، ج) در پی پیمان عقبه اولی پیامبر اکرم مصعب بن عمیر را به منظور تعلیم قرآن و احکام اسلامی به یثرب فرستاد، د) بعد از گذشت هفتاد روز از پیمان عقبه ثانیه توطئه دارالندوه زمینه هجرت رسول خدا به یثرب فراهم شد، ه) نکشتن فرزندان، دزدی نکردن و شرک نوزیدن به خدا از مفاد پیمان عقبه اولی بود. ب و د صحیح است.
۶۹. گزینه ۴؛ بلال بن رباح خباب بن ارت و صهیب بن سنان از یاران مستضعف پیامبر اکرم در مکه بودند.
۷۰. گزینه ۳؛ رسول خدا در ادامه تلاش برای گسترش دعوت اسلامی به نقاط مختلف جهان آن روز، در سال هشتم هجری، نامه‌ای را برای حاکم بصرا در شام ارسال کرد اما او ناجوانمردانه سفیر پیامبر را به شهادت رساند. از آنجا که این رفتار، نوعی تهدید نظامی و پیام قدرت به حکومت نبوی در مدینه بود، رسول خدا سپاهی سه هزار نفری را بهف فرماندهی «جعفر بن ابیطالب» بدان سو فرستاد.
۷۱. گزینه ۳؛ الف) اعتقادی - اجتماعی - اجتماعی، ب) اعتقادی - حکومتی - حکومتی، ج) اعتقادی - حکومتی - اجتماعی، د) اعتقادی - حکومتی - اعتقادی
۷۲. گزینه ۲؛ با توجه به وجود برخی زمینه‌ها، یثرب زمینه بستر مناسبی برای گسترش اسلام شد. از جمله: حضور یهودیان در این شهر و گزارش‌های آن‌ها درباره پیامبر موعود و ویژگی‌های او، وضعیت بحرانی یثرب و جنگ‌های ممتد و زیان‌بار، پایه‌های سست شرک و بت‌پرستی که تاب مقاومت در برابر پیام منطقی قرآن را نداشت.
۷۳. گزینه ۳؛ به جزء عبادات اموری همچون ایراد خطبه‌ها و برگزاری جلسات دیدارها با نمایندگان قبایل، تجهیز نیرو برای اعزام به ماموریت‌های اطلاعاتی و جنگی و دیدار با مسلمانان در مکان مسجد صورت می‌گرفت. در کنار مسجد حجره‌هایی برای سکونت پیامبر و مسلمانان مهاجر ساخته شد.
۷۴. گزینه ۳؛ در آستانه سال نهم هجری، آیات اولیه سوره توبه بر پیامبر نازل شد و آن حضرت دستور یافت این آیات را در موسم حج به مردم ابلاغ کند. رسول خدا برای این منظور، ابوبکر را به سوی مکه اعزام کرد اما هنگامی که او بخشی از مسیر را طی کرد، جبرئیل بر رسول خدا نازل شد و چنین ابلاغ کرد: «این آیات را تو یا کسی که از توست، باید ابلاغ کند.» از این رو، به دستور آن حضرت، امیرمؤمنان بر شتر مخصوص پیامبر سوار شد و خود را به ابوبکر رساند و ایشان این کار را انجام دادند.
۷۵. گزینه ۲؛ در سال بعد (هفتم هجری) براساس یکی از بندهای صلح‌نامه، رسول خدا به همراه دو هزار نفر از مسلمانان به مکه رفت و اعمال عمره را به جای آورد. این رخداد که استمرار پیروزی قدرت معنوی و سیاسی آنان بود، به «عمره القضاء» معروف شده است و در حقیقت تأویل همان رؤیای صادقانه رسول خدا بود.

۷۶. گزینه ۳؛ انصار همراهی خود با رسول خدا و ایثار از مال و جان را دلیل سزاوارتر بودن نسبت به مخالفت می دانستند؛ در مذاکرات سقیفه، آنچه موجب غلبه مهاجران بر انصار شد، استناد به قرابت و نزدیکی ابوبکر به پیامبر (به علت قریشی بودنش) و نیز مسن تر بودن ابوبکر بود.

۷۷. گزینه ۲؛ مفاد صلح: متارکه جنگ به مدت ده سال، تأمین امنیت جان و مال تجار مسلمان و مشرک، آزادی قبایل در هم پیمانی با مسلمانان یا مشرکان، الزام مسلمانان به بازگرداندن مسلمانان قریش که به مدینه بیایند و عدم الزام قریش به چنین تعهدی در برابر مسلمانان، آزادی پیروی از اسلام در مکه، انجام عمره توسط مسلمانان از سال آینده به مدت سه روز.

۷۸. گزینه ۳؛ در جریان سرکوب مرتدان، برخی از افراد و قبایل که نسبت به خلافت ابوبکر معترض بودند و براساس سفارشات مکرر پیامبر اکرم انتظار خلافت فردی از اهل بیت ایشان؛ علی را داشتند، نیز مورد هجوم واقع شدند و با آنان همچون مرتدان برخورد شد. این گروه ها و قبایل از آنجا که ابوبکر را به عنوان خلیفه نمی شناختند، از پرداخت زکات به نمایندگان او امتناع ورزیدند؛ از این رو، با عنوان مانعان زکات با آنان برخورد شد و این درحالی بود که آنان نسبت به اصل حکم زکات اعتراضی نداشتند. در برخی از منابع تاریخی، سخنان و اشعار اینان در دفاع از خلافت اهل بیت نقل شده است. البته برخی از مانعان زکات نیز کسانی بودند که پرداخت زکات به کسانی غیر از رسول خدا را نوعی باج خواهی قلمداد می کردند.

۷۹. گزینه ۲؛ گروهی که مایل به شرکت در نبرد نبودند و نمی خواستند مخالفت کنند. اینان صریحا از پیامبر اجازه گرفتند که در مدینه بمانند و در این نبرد شرکت نکنند.

۸۰. گزینه ۱؛ عوامل موثر در پیمان حکمیت: طولانی شدن نبرد و خستگی ناشی از آن، شهادت یاران مخلص و فداکاری همچون عمار یاسر، دنیاطلبی و خیانت اشرافی همچون اشعث بن قیس، کج فهمی و ساده اندیشی افراد مقدس نما در سپاه امام، فریبکاری و ناجوانمردی معاویه .

۸۱. گزینه ۱؛ الف) در جنگ احد رسول خدا با هزار نفر به سوی محل جنگ حرکت کردند اما از میانه راه حدود سیصد نفر از منافقان بازگشتند، ب) نقض توافق مشرکان و یهودیان از عوامل زمینه ساز شکست مشرکان در جنگ خندق بود، ج) هفتاد نفر از مسلمانان از جمله عموی پیامبر در جنگ احد شهید شدند، د) در اجنگ بدر مسلمانان قصد داشتند به تلافی اموال مصادره شده شان راه را بر کاروان تجاری قریش ببندند، ه) مرحب یکی از پهلوانان دشمن در جنگ خیبر به دست امیر المومنین کشته شد.

۸۲. گزینه ۲؛ حتی می توان پیدایش تشیع را به دوره اقامت رسول خدا در مکه و سالیان آغازین پس از بعثت پیامبر مربوط دانست؛ چرا که طبق حدیث یوم النذار که پیشتر به آن اشاره شد بنی هاشم در اعلام یاری آن رسول خدا پس از آنکه همه دچار تردید و سکوت شدند و امیرمؤمنان علی اعلام آمادگی کرد، با اشاره به آن حضرت فرمود: «این، برادر، وصی و جانشین من در میان شماست، پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید». یکی از کسانی که در میان آن جمع نسبت به سخن رسول خدا اظهار موافقت کرد، ابوطالب بود. بدین ترتیب می توان پیدایش تشیع را با حادثه یوم الانذار پیوند داد.

۸۳. گزینه ۳؛ عمر دلیل این کار را حفظ کتاب خدا از آمیخته شدن با غیر قرآن و نیز کافی بودن قرآن برای مسلمانان می دانست! و این در حالی بود که رسول خدا بر ثبت و تدوین روایات تأکید داشت. به اعتقاد محققان، دلیل اصلی منع نقل و تدوین حدیث، جلوگیری از گسترش روایات مربوط به شأن و جایگاه اهل بیت به ویژه مسئله امامت و خلافت آنان بوده است.

۸۴. گزینه ۴؛ نخستین اقدام او، عدم اجرای حکم قصاص عبیدالله بن عمر بود که به خونخواهی پدرش سه بیگناه را به قتل رسانیده بود! این کار موجب انتقاد برخی از صحابه نسبت به عملکرد خلیفه شد.



۸۵. گزینه ۴؛ بیعت مردم با آن حضرت، تنها خلافت و حکومت ظاهری را به دنبال داشت. که بدون آمادگی مردم امکان پذیر نبود.

۸۶. گزینه ۳؛ یکی از مهمترین اسباب زمینه ساز بیعت امام علی با خلیفه اول آن بود که خطر بزرگ ارتداد برخی قبایل اساس و پایه های اسلام را تهدید می کرد و برخی از این قبایل حتی تا نزدیک مدینه به پیشرانده بودند. امام مخالف قتل عثمان بود و تلاش زیادی برای آنکه کار بدین جا ختم نشود، صورت داد. یک دلیل عمده این مخالفت آن بود که اگر چنین چیزی رسم می شد، زمینه بروز هرج و مرج در جامعه فراهم می گشت و آنگاه تضمینی برای اصلاح امور وجود نداشت.

۸۷. گزینه ۴؛ افزون بر دو شخصیت برجسته بنی هاشم یعنی علی و عباس بن عبدالمطلب، میتوان از کسانی همچون زبیر بن عوام، خالد بن سعید، مقداد بن عمرو، سلمان، ابوذر، براء بن عازب و ابی بن کعب به عنوان هسته اولیه مخالفان خلافت برآمده از سقیفه نام برد.

۸۸. گزینه ۳؛ وجود گرایش های شیعی در تعدادی از مسلمانان کوفه؛ وجود منابع انسانی و اقتصادی فراوان در عراق و امکان کادرسازی و تربیت نیرو؛ تحت نظر گرفتن معاویه و مقابله با تحریکات او، با توجه به وجود زمینه آمادگی بیشتر برای انجام اصلاحات در مسلمانان کوفه؛ امکان ارتباط آسان تر با ایران و دیگر مناطق فتح شده.

۸۹. گزینه ۳؛ الف) صحیح، ب) خلیفه دوم با تعریفی طبقاتی میان اصحاب پیامبر و احاد جامعه تفاوت نهاد، ج) امام علی (ع) وضع مردم را پس دوران سه خلیفه اول مانند وضع مردم در روزهای اول بعثت پیامبر میدانستند، د) صحیح.

۹۰. گزینه ۴؛ در جریان جنگ صفین معاویه با متن اولیه قرارداد که در آن برای امام لقب امیرالمومنین ذکر شده بود مخالفت کرد و با اصرار اشعث بن قیس حذف شد! و امام فرمود: سبحان الله سنتی چون سنت پیامبر و مراد حضرت اشاره به ماجرای صلح حدیبیه بود.

## منطق

۹۱. گزینه ۳؛ در عبارت «هر گردی گردو نیست» جای موضوع و محمول نسبت به قضیه «هر گردویی گرد است» تغییر کرده است، و نشان می دهد که عکس این قضیه موجب کلیه، موجب کلیه نخواهد بود. بنابراین گزینه ۳ که به این شرط درباره عکس مستوی اشاره دارد گزینه صحیح است.

۹۲. گزینه ۳؛ گزینه ۱ نادرست است، زیرا مطابق صفحه ۴ کتاب درسی، ذهن انسان به صورت طبیعی مطابق قواعدی می اندیشد، گزینه ۲ نادرست است، زیرا مطابق صفحه ۴ کتاب درسی، منطق دانان قواعد منطق را از ساختارهای ذهنی و زبانی متعارف [کشف کرده اند، نه آن که ابداع کنند، گزینه ۳ صحیح است، زیرا مطابق صفحه ۴ کتاب درسی ذهن انسان به صورت طبیعی بر اساس قواعدی می اندیشد که همان قواعد می تواند تا حدودی مانع از خطای اندیشه شود، اما علم منطق سرعت و دقت را در کشف مغالطات ذهنی و زبانی افزایش می دهد، گزینه ۴ نادرست است، زیرا مطالعه منطق و شناخت کامل و دقیق قواعد منطقی باعث جلوگیری از خطای اندیشه نمی شود، بلکه تمرین و ممارست باعث تبحر در این علم و جلوگیری از خطای اندیشه می شود.

۹۳. سوال حذف شده است.

۹۴. گزینه ۴؛ در مقدمه اول قیاس الف را داریم که در نتیجه نیامده است، بنابراین حد وسط قیاس الف است. از آن جا که یکی از مقدمات سالبه است، ناگزیر مقدمه دیگر باید موجب باشد تا استدلال درست باشد. اما مقدمه دوم از دو حال خارج نیست، یا آن که حد وسط در آن موضوع است، و یا حد وسط در آن محمول است. اگر



حد وسط موضوع باشد، ناگزیر ج (که در نتیجه آمده است) محمول قرار می‌گیرد، و چون مقدمه دوم موجب است، علامت مربوط به دامنه مصادیق آن - خواهد بود، در حالی که در نتیجه، به خاطر کیفیت قضیه، علامت + است. بنابراین حد وسط در مقدمه دوم حتماً باید موضوع باشد، و اگر حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول باشد، قیاس شکل چهارم است. با توجه به آن چه گفته شد، می‌دانیم که مقدمه دوم باید به صورت «... ج الف است» باشد. حالا باید درباره کمیت قضیه مطمئن شویم. از آن جا که ج در نتیجه علامت + دارد، در مقدمات هم حتماً باید علامت مثبت داشته باشد، و بنابراین سور آن باید کلی باشد، بنابراین مقدمه این قیاس موجب کلیه است.

۹۵. گزینه ۱؛ با رسم نمودار پاسخ‌گویی به این سؤال آسان می‌شود. اگر دو دایره که بخشی از آن‌ها مشترک است رسم کنیم، الف و ج را که عموم و خصوص من وجه هستند در نمودار نشان داده‌ایم. حال ب را می‌توانیم در داخل دایره الف طوری رسم کنیم که کاملاً خارج از ج باشد، یا کاملاً در قسمت مشترک میان الف و ج باشد، یا بخشی از آن خارج از ج و بخشی از آن در قسمت مشترک میان الف و ج باشد؛ اما نمی‌توانیم به گونه‌ای رسم کنیم که بر ج منطبق باشد، زیرا بخشی از ج خارج از الف قرار دارد، در حالی که ب باید ضرورتاً داخل الف باشد.

۹۶. گزینه ۴؛ در گزینه ۱ دلالت اولی مطابقی و دلالت دومی التزامی است، زیرا بچه‌ها ساختمان مدرسه را واقعاً روی سرهایشان نگذاشته‌اند، در گزینه ۲ دلالت اولی مطابقی است و اگر مقصود کادر مدرسه باشد، التزامی است، در حالی که دلالت دومی تضمینی است، در گزینه ۳ دلالت اولی تضمینی و دلالت دومی مطابقی است، در گزینه ۴ هر دو دلالت التزامی است.

۹۷. گزینه ۴؛ نسبت میان شهر و خیابان تباین است. زیرا هیچ شهری خیابان نیست و هیچ خیابانی شهر نیست. نسبت میان جنگل و درخت تباین است. زیرا هیچ جنگلی درخت نیست و هیچ درختی جنگل نیست. نمی‌توان به یک درخت گفت جنگل و نمی‌توان یکی از مصادیق جنگل را به عنوان مصداقی از یک درخت به کار برد. مثلاً وقتی آمازون جنگل است، نمی‌توان گفت آمازون درخت است! نسبت میان انسان و دست تباین است. زیرا هیچ انسانی دست نیست، و هیچ دستی مصداق مفهوم انسان نیست. نمی‌توانیم به دست کسی اشاره کنیم و بگوییم این انسان است. بنابراین هیچ کدام از موارد نسبت عموم و خصوص مطلق ندارد و گزینه چهارم (هیچ کدام) پاسخ درست خواهد بود.

۹۸. گزینه ۳؛ گزینه ۱ قیاس استثنایی اتصالی است که در آن مقدم قضیه شرطی رفع شده است، و قیاس استثنایی [اگر دو شرطی نباشد] در صورتی معتبر است که یا تالی رفع شود و یا مقدم وضع شود. بنابراین این گزینه معتبر نیست، گزینه ۲ قیاس اقترانی شکل سوم است. در بررسی اعتبار آن از طریق بررسی دامنه مصادیق، می‌بینیم که در نتیجه، درخت علامت مثبت می‌گیرد در حالی که در مقدمه دوم علامت آن منفی خواهد بود. به عبارت دیگر، در نتیجه تمام مصادیق درخت ذکر شده، در حالی که در مقدمات بخشی از مصادیق درخت در نظر گرفته شده است. گرچه تمام مصادیق درخت اخص از مصادیق گیاه است، اما چون در مقدمات چنین چیزی ابراز نشده، نتیجه قیاس بر اساس مقدمات معتبر نخواهد بود. گزینه ۳ قیاس استثنایی اتصالی است که در آن مقدم قضیه شرطی وضع شده است و وضع تالی نتیجه گرفته شده است. روشن است که در مقدمه شرطی، جای مقدم و تالی عوض شده و این مطلب را از جای کلمه «اگر» تشخیص می‌دهیم، گزینه ۴ قیاس اقترانی شکل سوم است که در آن تمام مصادیق حد وسط در نظر گرفته نشده، یا به عبارتی علامت حد وسط در هر دو مقدمه منفی است، و بنابراین قیاس نامعتبر است.



۹۹. گزینه ۴؛ مجاز در ادبیات جایی است که کلمه را در غیر معنای حقیقی آن به کار می‌بریم، اما پیوندی میان مقصود و معنای واقعی کلمه وجود دارد. دلالت‌های التزامی و تضمینی به دو مورد از کاربردهای مجازی الفاظ در ادبیات نزدیک است. تشبیه در ادبیات مشابه تمثیل در منطق است. در استقرای تمثیلی به خاطر شباهت حکمی را از یکی به دیگری تسری می‌دهیم. در ادبیات، این حکم وجه شبه است که ممکن است بیان شود یا بیان نشود. ضمناً در کتاب درسی تصریح شده بود که در ادبیات به تمثیل «تشبیه» گفته می‌شود. جناس تام در ادبیات به معنای به کار بردن دو لفظ کاملاً یکسان با دو معنای متفاوت است، که در منطق این دو لفظ را مشترک لفظی می‌نامند.
۱۰۰. گزینه ۳؛ دلالت ماه در گزینه ۳ دلالت التزامی است، زیرا ماه در معنای واقعی خودش به کار نرفته و مقصود محبوب زیباروی است، اما در سایر گزینه‌ها دلالت ماه بر معنای لفظ مطابقی است، اعم از آن که منظور ماه آسمان باشد یا ماه تقویم.
۱۰۱. گزینه ۴؛ از آن جا که دانشجویان فقط از رشته علوم اجتماعی انتخاب شده‌اند، اما در عنوان مقاله نتیجه به تمام دانشجویان تعمیم داده شده، نشان از آن دارد که جامعه آماری نه تمام طیف دانشجویان را در برمی‌گیرد (مثلاً دانشجویان رشته‌های دیگر) و نه تعداد مناسبی دارد، زیرا تعداد دانشجویان کل کشور بسیار بیشتر است. بنابراین نمونه‌ها نه به اندازه کافی متفاوت و دربرگیرنده کل طیف جامعه هستند، و نه تعداد مناسبی دارند. این دقت لازم است که گزینش ۱۱۰۰ دانشجو برای آن که به صورت تصادفی بین ۸۰۰ نفر از آن‌ها پرسش‌نامه توزیع شود، می‌توان اطلاعات نسبتاً موثقی درباره آن ۱۱۰۰ نفر به دست دهد، و نه همه دانشجویان ایرانی.
۱۰۲. گزینه ۲؛ گزینه ۱ استنتاج بهترین تبیین است، گزینه ۳ استقرای تعمیمی است و حتی شرایط استقرای تعمیمی است (و فارغ از آن که قوی باشد یا ضعیف، نتیجه یقینی نیست)، گزینه ۴ یا استقرای تمثیلی است، یا قیاسی که در آن تکرار حد وسط به درستی صورت نگرفته و لذا نامعتبر است، بنابراین نتیجه یقینی به دست نمی‌دهد. بنابراین گزینه ۲ که قیاس است، نتیجه یقینی دارد.
۱۰۳. گزینه ۴؛ در گزینه ۴ تالی قضیه شرطی یک پرسش است که نمی‌توان برای آن صدق و کذب تعیین کرد. بنابراین نه می‌توان آن را وضع کرد و نه می‌توان آن را رفع کرد.
۱۰۴. گزینه ۴؛ جملات را به شکل قضیه حملی در می‌آوریم: سبزی فروش دارنده سیر است + سیر دارای طبع گرم و خشک است. ۰۰ سبزی فروش دارای طبع گرم و خشک است. حد وسط به درستی تکرار نشده، بلکه در یک مقدمه «دارنده سیر» و در مقدمه دیگر «سیر» است.
۱۰۵. گزینه ۳؛ قضایای کلی یا سالبه‌اند یا موجهه. ابتدا قضیه کلیه «هر الف ب است» را در نظر می‌گیریم. متداخل آن «بعضی الف ب است» خواهد بود و نقیض قضیه اخیر «هیچ الف ب نیست». بنابراین نقیض متداخل این قضیه با آن رابطه تضاد دارد. حال قضیه کلیه «هیچ الف ب نیست» را در نظر می‌گیریم و نتیجه همان است. ضمناً با در نظر گرفتن مربع تقابل، به سرعت می‌توان پاسخ این سؤال را یافت.
۱۰۶. گزینه ۴؛ همیشه از صدق یک قضیه می‌توان کذب نقیض آن، و از کذب آن صدق نقیض آن را نتیجه گرفت. پس برای هر قضیه‌ای از کذب آن صدق حداقل یک قضیه را می‌توان نتیجه گرفت.
۱۰۷. گزینه ۲؛ یک سالبه کلیه صادق را در نظر می‌گیریم. مثلاً «هیچ الف ب نیست» صادق است. از صدق این قضیه می‌توان در مربع تقابل موارد زیر را نتیجه گرفت: الف) کذب متضاد: کذب «هر الف ب است»: یک موجهه کلیه کاذب، ب) کذب نقیض: کذب «بعضی الف ب است». یک موجهه جزئی کاذب، ج) صدق متداخل:



صدق «بعضی الف ب نیست». یک سالبه جزئیه صادق از این قضیه عکس مستوی آن را نیز می‌توان نتیجه گرفت که آن هم سالبه کلیه صادق است.

۱۰۸. گزینه ۴؛ اگر آن قضیه سالبه جزئیه عکس مستوی ندارد، و اگر موجب کلیه باشد، نقیض آن عکس مستوی ندارد. اما اگر موجب جزئیه باشد؛ مثلاً «بعضی الف ب است»: عکس مستوی: بعضی ب الف است. نقیض عکس مستوی: هیچ ب الف نیست. نقیض: هیچ الف ب نیست. عکس مستوی نقیض: هیچ ب الف نیست. و اگر سالبه کلیه باشد؛ مثلاً «هیچ الف ب نیست»: عکس مستوی: هیچ ب الف نیست. نقیض عکس مستوی: بعضی ب الف است. نقیض: بعضی الف ب است. عکس مستوی نقیض: بعضی ب الف است.

۱۰۹. گزینه ۲ درست است؛ وقتی «هیچ الف ب نیست» صادق باشد، عکس مستوی آن نیز صادق است. بنابراین «هیچ ب الف نیست» نیز صادق است. بنابراین نسبت مصادیق دو مفهوم الف و ب تباین است. بنابراین یک شیء نمی‌توان مصداق هر دوی آن‌ها باشد، اما می‌توان مصداق هیچ کدام نباشد. بنابراین «یا ج الف است یا ج ب است» مانعاً الجمع است، و اشکالی ندارد اگر هر دو کاذب باشد.

۱۱۰. گزینه ۳؛ زیرا زمانی که سور قضیه کلیه باشد تمام مصادیق موضوع و زمانی که کیفیت قضیه سالبه باشد تمام مصادیق محمول در بر گرفته شده، و بنابراین در سالبه کلیه تمام مصادیق موضوع و محمول مدنظر است.

۱۱۱. گزینه ۲؛ مضمون آیه شریفه این است که اگر در آسمان و زمین خدایی به جز الله بود فاسد می‌شدند، و نتیجه‌ای که می‌خواهد بگیرد این است که چون فاسد نشده‌اند، بنابراین خدایی به جز الله در آن‌ها نیست. لذا آیه شریفه در صدد آن است که از طریق یک قیاس استثنایی اتصالی، با رفع تالی، رفع مقدم را نتیجه بگیرد.

۱۱۲. گزینه ۱؛ این قضیه باید قضیه‌ای باشد که هم از صدق آن بتوان صدق متداخل آن را نتیجه گرفت، و هم از صدق آن متداخل، صدق عکس مستوی آن را. بنابراین متداخل آن نباید سالبه جزئیه باشد، بنابراین این قضیه نمی‌تواند سالبه کلیه باشد. از طرفی اگر قضیه جزئیه باشد نمی‌توان از صدق آن، صدق کلیه را نتیجه گرفت. بنابراین تنها گزینه درست این است که قضیه موجب کلیه باشد.

۱۱۳. گزینه ۳؛ اگر «هر الف ب است» کاذب باشد، «بعضی الف ب نیست» لزوماً صادق است، بنابراین گزینه ۱ غلط است. اگر «هر الف ب است» کاذب باشد، و «هر الف است» صادق باشد، درباره «هر ب الف است» هیچ نتیجه لازم الصدقی نمی‌توان گرفت. زیرا از صدق جزئی نمی‌توان به صدق یا کذب کلی رسید، و نیز از کذب کلی نمی‌توان درباره صدق یا کذب جزئی نتیجه‌ای گرفت. عکس مستوی «بعضی ب الف است» جزئیه است و از صدق آن هم نمی‌توان درباره صدق کلی نتیجه‌ای گرفت. نقیض «بعضی ب الف است» «هیچ ب الف نیست» خواهد بود که از کذب آن نمی‌توان درباره صدق موجب آن نظری داد. بنابراین لزوماً کاذب بودن «هر ب الف است» که در گزینه ۲ آمده، قابل اثبات نیست، و ممکن است صادق باشد. با مثال نقض نیز می‌توان این را نشان داد. مثلاً «هر حیوان انسان است» کاذب و «بعضی انسان حیوان است» صادق است. حال، هر انسان حیوان است» صادق است، گزینه ۴ نیز نادرست است. زیرا در مثال بالا نشان داده شد که چنین چیزی ممکن است. باید دقت داشت که از کذب یک قضیه نمی‌توان نتیجه گرفت که عکس مستوی آن کاذب است. بررسی گزینه سوم: اگر «بعضی ب الف است» صادق باشد، عکس مستوی آن صادق است: «بعضی الف ب است» حال از صدق «بعضی الف ب است» نتیجه می‌گیریم که نقیض آن لزوماً کاذب است: «هیچ الف ب نیست» از کذب «هر الف ب است» کاذب باشد، نقیض آن صادق است: «بعضی الف ب نیست»



۱۱۴. گزینه ۲؛ مربع تقابل را در نظر می‌گیریم. دو قضیه مورد سؤال باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند: اولاً، باید متداخل آن‌ها عکس مستوی داشته باشد، پس متداخل آن‌ها نمی‌تواند سالبه جزئیه باشد، پس هیچ‌کدام از دو قضیه نمی‌تواند سالبه کلیه باشد. پس این دو قضیه باید در بین سه حالت زیر باشد: هر الف ب است، بعضی الف ب است، بعضی الف ب نیست. ثانیاً عکس مستوی متداخل‌های دو قضیه با هم تناقض دارند. از سه حالت ممکن، متداخل‌های آن‌ها را در نظر می‌گیریم، و سپس عکس مستوی آن متداخل‌ها را در نظر می‌گیریم:

هر الف ب است ← بعضی الف ب است: ← بعضی الف ب است.

بعضی الف ب است ← هر الف ب است ← بعضی الف ب است.

بعضی الف ب نیست ← هیچ الف ب نیست ← هیچ الف ب نیست.

از حاصل نتیجه می‌گیریم که این دو قضیه یا مورد اول و سوم هستند، یا مورد دوم و سوم. رابطه مورد اول و سوم تناقض، و رابطه دوم و سوم تداخل تحت تضاد است. در بین گزینه‌ها تداخل تحت تضاد را نداریم، و بنابراین تناقض گزینه درست خواهد بود.

۱۱۵. گزینه ۴؛ گزینه ۱: اگر مقدمه اول «بعضی الف ب نیست» باشد، نتیجه قطعاً سالبه خواهد بود، و در این صورت علامت ج در نتیجه قیاس مثبت خواهد بود، و در این صورت لازم است که علامت ج در مقدمه دوم هم مثبت باشد، که در این صورت باید قضیه دوم هم سالبه باشد، که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست، زیرا اگر دو مقدمه سالبه باشد قیاس نامعتبر است، گزینه ۲: اگر نتیجه قضیه «هیچ الف ج نیست» باشد، یکی از مقدمات سالبه و دیگری موجهه است. اما با توجه به این که در نتیجه قیاس، علامت الف و ج مثبت خواهد بود، و الف و ج در هر دو مقدمه محمول هستند، برای این که علامتشان در مقدمات مثبت باشد لازم می‌آید که هر دو مقدمه سالبه باشد، و چنین چیزی سبب نامعتبر بودن قیاس خواهد بود، گزینه ۳: اگر مقدمه اول «هیچ الف ب نیست» باشد، مشابه گزینه ۱ می‌توان استدلال کرد که قیاس نامعتبر خواهد شد، گزینه ۴: اگر نتیجه «بعضی الف ج نیست» باشد، لازم می‌آید که اولاً یکی از مقدمات سالبه و دیگری موجهه باشد، و ثانیاً علامت ج در مقدمات مثبت باشد. برای آن که علامت ج مثبت باشد مقدمه دوم باید سالبه باشد. و در این صورت مقدمه اول باید موجهه باشد. در این حالت، اگر دست‌کم یکی از مقدمات کلیه باشد، قیاس معتبر خواهد شد، زیرا حداقل در یکی از مقدمات حد وسط علامت مثبت خواهد داشت. بنابراین همین گزینه درست است.

۱۱۶. گزینه ۳؛ دو طرف قضیه شرطی: «انسان کاربرد کار الف را انجام نمی‌دهد» و «انسان کاربرد کار الف را خوب انجام می‌دهد». آیا ممکن است که هر دو طرف قضیه صادق باشد؟ خیر. زیرا اگر کاری را خوب انجام دهد، طرف اول نقض خواهد شد و اگر کاری را انجام ندهد طرف دوم نقض خواهد شد. آیا ممکن است که هر دو طرف قضیه کاذب باشد؟ خیر. در صورتی چنین چیزی امکان‌پذیر است که طرف کاری را انجام دهد ولی خوب انجام ندهد، و این چیزی است که جمله در صدد نفی آن است. بنابراین این قضیه منفصله حقیقی است.

۱۱۷. گزینه ۲؛ قضیه‌ای که در سؤال آمده، موجهه جزئیه است. گزینه ۱ عکس آن است که قاعده عکس مستوی در آن مراعات نشده و به صورت موجهه کلیه آمده است، گزینه ۲ عکس مستوی آن است که گزینه درست است، گزینه ۳ متداخل قضیه‌ای است که در سؤال آمده، و از صدق جزئی نمی‌توان صدق کلی را نتیجه گرفت. بنابراین این گزینه را نمی‌توان استنتاج کرد، گزینه ۴ متداخل تحت تضاد قضیه‌ای است که در سؤال آمده، و از صدق یک قضیه جزئیه نمی‌توان صدق یا کذب متداخل تحت تضاد آن را تعیین کرد.



۱۱۸. گزینه ۱؛ برخی حیوان‌ها غیر انسان هستند، مثل اسب، برخی حیوان‌ها غیر انسان نیستند، مثل انسان، برخی غیر انسان‌ها حیوان نیستند، مثل اشیاء بی‌جان، بنابراین نسبت مصادیق «حیوان» و «غیر انسان» عموم و خصوص من‌وجه است. هیچ انسانی غیر حیوان نیست، و هیچ غیر حیوانی انسان نیست. بنابراین نسبت مصادیق «غیر حیوان» و «انسان» تباین است. هر چه غیر حیوان است، غیر انسان هم هست. بعضی از غیر انسان‌ها غیر حیوان نیستند، مثل اسب. بنابراین «غیر انسان» و «غیر حیوان» عموم و خصوص مطلق هستند.

۱۱۹. گزینه ۳؛ این جمله ترکیبی از دو قضیه شرطی است. الف. اگر به موقع برسیم، آن‌گاه در جلسه شرکت می‌کنم، ب. اگر به موقع نرسیم، آن‌گاه باید مرا ببخشید. مقدم قضیه دوم نفی مقدم قضیه اول است. در گزینه ۱ تالی قضیه دوم وضع شده است، که با آن استنتاج معتبری شکل نمی‌گیرد، و بنابراین این گزینه نامعتبر است، در گزینه ۲ مقدم قضیه دوم وضع شده است، که از آن وضع تالی قضیه دوم را می‌توان نتیجه گرفت. همچنین مقدم قضیه اول رفع شده است که از آن نمی‌توان استنتاج معتبری داشت. بنابراین این گزینه نادرست است، در گزینه ۳ تالی قضیه دوم نفی شده است، که از آن می‌توان رفع مقدم قضیه دوم را نتیجه گرفت، یعنی «این‌طور نیست که به موقع نرسیم» یا نقیض نقیض آن که «به موقع می‌رسیم» خواهد بود. بنابراین مقدم قضیه اول وضع می‌شود و از وضع مقدم، وضع تالی نتیجه گرفته می‌شود، یعنی «در جلسه شرکت می‌کنم». بنابراین این استنتاج معتبر است، در گزینه ۴ مقدم قضیه اول وضع شده است، یا مقدم قضیه دوم رفع شده است. با وضع مقدم قضیه اول تنها می‌توان نتیجه گرفت که «در جلسه شرکت می‌کنم» و با رفع مقدم قضیه دوم نمی‌توان استنتاج معتبری داشت، بنابراین این گزینه درست نیست.

۱۲۰. گزینه ۳؛ گزینه ۱: ب وضع تالی قضیه شرطی اول است و بنابراین قیاس معتبری به دست نمی‌دهد. این گزینه نادرست است، گزینه ۲: غیر ب رفع مقدم قضیه شرطی اول و رفع تالی قضیه شرطی دوم است. بنابراین می‌توان از آن رفع مقدم قضیه شرطی دوم را نتیجه گرفت، یعنی غیر الف، اما نمی‌توان غیر ج را نتیجه گرفت، و بنابراین، این گزینه نادرست است، گزینه ۳: غیر ب رفع تالی قضیه شرطی اول است و از آن می‌توان غیر الف را نتیجه گرفت، غیر الف رفع تالی قضیه دوم است و از آن می‌توان غیر ج را نتیجه گرفت. بنابراین نتیجه درست و قیاس معتبر است، گزینه ۴: غیر الف وضع مقدم قضیه اول است و نتیجه معتبری به دست نمی‌دهد، غیر الف رفع تالی قضیه دوم است که رفع مقدم را نتیجه می‌دهد، یعنی غیر ج. بنابراین نتیجه استدلال به درستی نیامده و معتبر نیست.

## احکام

۱۲۱. گزینه ۳؛ صفحه ۱۱، علم کلام یکی از علوم اسلامی است که در آن از اصول دین یا همان عقاید بحث می‌شود.

۱۲۲. گزینه ۲؛ صفحه ۱۹، در شناخت احکام دین مطمئن‌ترین راه مراجعه به متخصصان دین یعنی مراجع تقلید است و در بین آنان مراجعه به مرجع تقلید اعلم، عاقلانه‌ترین کار است.

۱۲۳. گزینه ۲؛ صفحه ۱۶، ذیل عنوان «جامعیت» این جملات حضرت امام مطرح شده است.

۱۲۴. گزینه ۱؛ صفحه ۱۹، دستور صریح قرآن مبنی بر فهم عمیق دین (لیتفقهوا فی الدین).

۱۲۵. گزینه ۳؛ صفحه ۲۱، قدرت یکی از شرایط تکلیف است مانند کسی که نمی‌تواند در نماز بایستد، قیام در حال نماز از او ساقط است یا فرد بیمار و کهنسالی که توانایی روزه گرفتن ندارد.

۱۲۶. گزینه ۴؛ صفحه ۲۶ و ۲۷، احکام ۵ گانه حرام، واجب، مکروه، مستحب و مباح احکام تکلیفی هستند و هر آنچه غیر از احکام ۵ گانه تکلیفی، وضعی است مانند صحت یا بطلان اعمال.

۱۲۷. گزینه ۲؛ صفحه ۲۸، حکم هر چیز در حالت ضرورت و اضطرار را احکام ثانوی آن می‌گویند مانند جواز تیمم به جای وضو در حالت اضطرار.



۱۲۸. گزینه ۳؛ صفحه ۲۸ و ۲۹، نماز ظهر جمعه (واجب تخییری) جواب سلام (واجب توصلی) تحصیل علوم دینی (واجب کفایی) پرداخت خمس (واجب عینی).
۱۲۹. گزینه ۱؛ صفحه ۳۳، ادرار و مدفوع هر حیوانی که خون جهنده ندارد یا حرام گوشت نیست پاک است.
۱۳۰. گزینه ۴؛ صفحه ۳۵ مسئله ۴.
۱۳۱. گزینه ۲؛ صفحه ۳۶، مواردی که محکوم به طهارت هستند.
۱۳۲. گزینه ۲؛ صفحه ۳۸ و ۳۹، زمینی که از جنس خاک یا سنگ یا سنگ‌فرش یا آجر فرش باشد فقط کف پا یا کفش را پاک می‌کند به شرطی که کف پا یا کفش هنگام راه رفتن روی زمین نجس شده باشد و بر اثر تماس کف پا یا کفش با زمین عین نجاست برطرف شود.
۱۳۳. گزینه ۳؛ صفحه ۳۹، تبعیت شیء نجسی که به سبب پاک شدن شیء دیگر پاک شود مثل دست کسی که شیء نجس را تطهیر می‌کند و بعد از طهارت دست خودش هم پاک می‌شود.
۱۳۴. گزینه ۱؛ صفحه ۴۳، از نظر اسلام طهارت و پاکی دو گونه است ظاهری و معنوی. طهارت ظاهری دوری از آلودگی‌ها و نجاسات ظاهری است.
۱۳۵. گزینه ۳؛ صفحه ۴۴ جدول کیفیت وضو.
۱۳۶. گزینه ۲؛ صفحه ۴۵، مستحب است انسان به قصد داشتن طهارت همیشه با وضو باشد. کسی که به قصد داشتن طهارت وضو بگیرد می‌تواند هر کاری را که نیاز به وضو دارد انجام دهد واجب یا مستحب.
۱۳۷. گزینه ۳؛ صفحه ۶۴، مسائلی که هنگام خواندن نماز باید مراعات شود که به آن مقارنات نماز می‌گویند.
۱۳۸. گزینه ۴؛ صفحه ۴۶ جدول شرایط وضو.
۱۳۹. گزینه ۱؛ صفحه ۴۷ وضوی جبیره و مسائل مربوط به آن.
۱۴۰. گزینه ۲؛ صفحه ۵۳ جدول احکام جنب.
۱۴۱. گزینه ۳؛ صفحه ۵۱، غسل‌های واجب در دو دسته هستند. دسته اول مشترک بین مردان و زنان که عبارت است از غسل جنابت - غسل میت - غسل مس میت.
۱۴۲. گزینه ۲؛ صفحه ۶۰، کادر قرمز یادآوری گزینه‌های صحیح می‌باشد ولی گزینه ۲ در این کادر نبوده است.
۱۴۳. گزینه ۲؛ صفحه ۶۵، زمانی انسان می‌تواند مشغول نماز شود که تعیین کند وقت داخل شده است و این یقین با گفته دو نفر عادل مورد اعتماد یا با اذان گفتن مؤذن وقت‌شناس و مورد اطمینان حاصل می‌شود.
۱۴۴. گزینه ۱؛ صفحه ۷۱، اگر نماز را به یک انسان زیبا تشبیه کنیم جسم نماز، احکام و مسائل نماز می‌باشد و روح نماز هم مسائلی باطنی و درونی نماز است.
۱۴۵. گزینه ۳؛ صفحه ۷۳، ایستادن هنگام گفتن تکبیره الاحرام و ایستادن قبل از رکوع واجب و رکن است اما ایستادن هنگام خواندن حمد و سوره و ایستادن پس از رکوع واجب است ولی رکن نیست.
۱۴۶. گزینه ۴؛ صفحه ۷۴، اگر کسی از روی فراموشی نماز صبح یا مغرب و عشاء را آهسته بخواند اشکال ندارد اما اگر از روی عمد باشد نمازش باطل است.
۱۴۷. گزینه ۴؛ صفحه ۷۵، تبصره ۱ و تبصره ۲.
۱۴۸. گزینه ۳؛ صفحه ۸۰، جدول نمازهای واجب و مستحب.
۱۴۹. گزینه ۲؛ صفحه ۸۹.
۱۵۰. گزینه ۱؛ صفحه ۹۴ جدول زمان نیت روزه.